

رابطه بین ویژگی های شخصیتی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه دبیرستانهای تبریز

دکتر حسینی نسب^۱

شروین محمدی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین ویژگی های شخصیت و هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه دبیرستانهای تبریز صورت گرفته است. در این تحقیق جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر تبریز که در سال تحصیلی ۱۳۸۸ مشغول تحصیل می باشند. انتخاب نمونه به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای و به تعداد ۱۷۷ نفر صورت گرفت. ابزار اندازه گیری شامل پرسشنامه ویژگی های شخصیتی نئو فرم کوتاه (NEO-FFI) و مقیاس هوش هیجانی سیبریاشرینگ بود. نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند. داده ها نشان داد ویژگی های شخصیتی نوروگرایی، برون گرایی و باوجدان بودن، همبستگی آماری معنی داری با هوش هیجانی دارند که به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۳۸، بود ($P < 0/01$). نوزوزگرایی ۵۶ درصد، برون گرایی ۸ درصد، و باوجدان بودن ۱۵ درصد از واریانس هوش هیجانی را پیش بینی می کنند. به نظر می رسد توجه به ویژگی های شخصیتی در رسیدن به اهداف درمانی و مداخلات رفتاری برای ارتقای هوش هیجانی دانش آموزان دختر مفید باشد.

واژه های کلیدی: ویژگی های شخصیتی، هوش هیجانی، دانش آموز دختر

- استاد دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی (karamatv@yahoo.com)

مقدمه

برخی از متخصصان، هوش را توانایی حل مسأله می‌دانند. عده‌ای دیگر، آن را توانایی انطباق و یادگیری، بر اساس تجارب روزمره می‌دانند. عده‌ای نیز معتقدند در تعریف هوش بر اساس این جنبه‌های شناختی، سایر ابعاد هوش مثل خلاقیت و هوش عملی و میان فردی نادیده گرفته می‌شود (سانتراک، ۱۳۸۵). پژوهش‌های متعددی بر نقش هیجان‌ها در تعامل‌های اجتماعی، شناخت خود و دیگری، منش فردی و لیاقت‌های اجتماعی تأکید دارند. انواع مذکور هوش بر عوامل غیرشناختی تکیه دارند. یکی از انواع هوش، هوش هیجانی است که در سال ۱۹۹۰ برای اولین بار توسط «سالوی» و «مایر» دو نفر از روان‌شناسان آمریکایی معرفی شد. آنها عواطف و شناخت را مستقل از یکدیگر ندانسته؛ بلکه دو توانایی وابسته به یکدیگر می‌دانند؛ زیرا انسان‌ها صرفاً منطقی و یا عاطفی نیستند، بلکه موجوداتی هم منطقی و هم عاطفی هستند (گیتونی، ۱۳۸۵). در نظریه گاردنر و استرنبرگ، یک یا چند مقوله مرتبط با هوش اجتماعی وجود دارد. این مقولات در نظریه گاردنر، هوش میان فردی و هوش درون فردی هستند. در نظریه استرنبرگ نیز هوش عملی. نظریه دیگری هم وجود دارد که روی جنبه‌های میان فردی، درون فردی و عملی هوش خیلی تأکید دارد و خیلی مورد استقبال قرار گرفته است. این نظریه را، پیتر سالووی و جان مایر توانایی زیر نظر گرفتن احساسات و هیجانات خود و دیگران، تمایز گذاشتن بین آنها و استفاده از اطلاعات حاصل از آنها در تفکر و اعمال خود، تعریف می‌کنند (سانتراک، ۱۳۸۵). بنابراین هوش هیجانی موضوعی است که سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها، احساسات و توانمندی‌های انسان دارد (حسن‌زاده، ۱۳۸۶) و به صورت توانایی درک و فهم عواطف به منظور ارزیابی افکار و خلق و خو و تنظیم آنها به گونه‌ای که موجب تعالی و رشد عقلی و عاطفی گردد تعریف می‌شود (گلمن، ۱۳۸۰).

¹- Peter Salovy and John Mayer

توسعه و رشد هوش هیجانی یک عنصر کلیدی در یادگیری و تدریس محسوب می‌شود و اگر دانش‌آموزان بتوانند این ویژگی را کسب کنند اولین گام در جهت کنترل و هدایت هیجانهای خودشان برداشته و می‌توانند موانع تضعیف کننده عملکرد را از بین بردارند (آقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۵). "بار-آن" معتقد است مفهوم هوش هیجانی را می‌توان در موفقیت‌های آموزشی مانند دبیرستان، مدارس، دانشگاه‌ها، برای کمک به روان‌شناسان مدارس و مشاوران در شناسایی دانش‌آموزانی که نمی‌توانند به طور مؤثر با نیازهای تحصیلی‌شان که ممکن است به اخراج از مدرسه یا احتمالاً مشکلات عاطفی بینجامد بکار برد (نقل از رحیم‌زاده، ۱۳۸۷).

یکی از رویکردهای مهم در تبیین هوش هیجانی، توجه به عوامل شخصیتی است. برگر شخصیت را الگوی با ثبات رفتار که از درون افراد بر می‌خیزد و مانند آلپورت شخصیت را به رفتارهای ثابت و سازه‌های درونی مربوط می‌داند. از طرفی کتل شخصیت را به مفهومی که امکان پیش بینی آنچه را که فرد در موقعیت خاص انجام خواهد داد تعریف کرده است (شولتز، ۱۳۸۱). به هر حال تعریفی کامل و جامع از شخصیت که عمومیت داشته و مورد قبول همگان باشد وجود ندارد (راس، ۱۳۸۲). اما در یکی از آخرین دستاوردهای روانشناسان شخصیت، مک کری و کوستا با رویکرد تحلیل عاملی شخصیت را در امتداد پنج بعد یا پنج عامل اصلی، یعنی نوروگرایی، برونگرایی^۲، انعطاف‌پذیری^۳، دلپذیر بودن^۴ و با وجدان بودن^۵ توصیف کردند. نوروگرایی به تمایل برای تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، کم رویی، تفکر غیرمنطقی، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می‌شود. برونگرایی به تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می‌شود. انعطاف‌پذیری عبارت است از تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، انعطاف‌پذیری،

¹- neuroticism

²- extraversion

³- openness

⁴- agreeableness

⁵- conscientiousness

روشنفکری و نوآوری و دلپذیر بودن به تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماددورزی، همدلی، فرمانبرداری، فداکاری و وفاداری اطلاق می‌شود. باوجدان بودن عبارت است از تمایل به سازمان‌دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویشتن داری، پیشرفت‌گرایی، منطق‌گرایی و تعمق (بشارت، ۱۳۸۶).

با توصیفی که از عوامل شخصیتی به عمل آمد به نظر می‌رسد هوش هیجانی بخشی از سازه شخصیت باشد. چنان که به عقیده گلמן شخصیت افراد ترکیبی از عقل و دل است. معمولاً بهره هوشی سمبل عقل و دل سمبل هوش هیجانی است (آقایار و شریفی درآمدی، ۱۳۸۵). در همین راستا، مرور پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که هوش هیجانی می‌تواند متأثر از عوامل شخصیتی باشد. چنان که پژوهش‌های انجام شده توسط (پترایدز و فارنام، ۲۰۰۱، داداوهارت، ۲۰۰۰، ساکلوفسک، آستین ۲۰۰۳؛ شاته و همکاران، ۱۹۹۸) نشان داده است که به طور کلی برون‌گرایی و نوروزگرایی با هوش هیجانی همبستگی قوی‌دارد اما انعطاف‌پذیری، دلپذیر بودن و باوجدان بودن، با هوش هیجانی همبستگی ضعیفی دارد. همچنین پژوهش انجام شده توسط (کامورو و همکاران، ۲۰۰۷) نشان داد که چهار عامل شخصیت یعنی برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، باوجدان بودن و دلپذیر بودن با هوش هیجانی رابطه مثبت و در مقابل نوروزگرایی با هوش هیجانی رابطه منفی دارد.

شافر (۱۹۹۹) در تحقیق خود که در زمینه ارتباط هوش هیجانی با ویژگی‌های شخصیتی بود، گزارش کرد که در میان عوامل پنجگانه شخصیت، انعطاف‌پذیری پیش‌بینی‌کننده قوی است. در چند بررسی معلوم شد که برون‌گرایی به صورت مثبت با سلامت هیجانی رابطه دارد، در حالی که نوروزگرایی به صورت منفی به سلامت هیجانی مربوط است. پژوهشگران نتیجه‌گیری کردند، افرادی که در برون‌گرایی نمره بالا و در نوروزگرایی نمره پایین می‌گیرند، از لحاظ ژنتیکی آمادگی هیجانی پایداری دارند (کلینکه، ۱۳۸۶)؛ اما در مقابل برخی پژوهش‌هایی هم وجود دارند که نشان می‌دهند رابطه معنی‌دار و قابل

توجهی بین عوامل پنجگانه شخصیت و هوش هیجانی وجود ندارد (مانند باستین، ۲۰۰۵؛ براکت، ۲۰۰۴؛ لوپز، ۲۰۰۳).

با توجه به متفاوت بودن نتایج مطالعات انجام گرفته، تحقیق حاضر با هدف تعیین رابطه بین ویژگی های شخصیتی و هوش هیجانی دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه دبیرستانهای تبریز صورت گرفته است و به بررسی این فرضیه می پردازد که بین ویژگی های شخصیتی (برونگرایی، روان رنجورخویی، دلپذیر بودن، باوجدان بودن، انعطاف پذیری) و هوش هیجانی رابطه وجود دارد.

روش کار

در این تحقیق جامعه آماری عبارت است از کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه شهر تبریز که در سال تحصیلی ۱۳۸۸ مشغول تحصیل بودند. تعداد کلاس ها ۱۵۸ و تعداد دانش آموزان ۸۰۴۵ نفر است.

برای انتخاب نمونه از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. در مرحله اول از کلیه نواحی ۵ گانه تبریز که ۱۵۸ مدرسه دخترانه است از هر منطقه ۲ مدرسه بصورت تصادفی مشخص شد و در کل تعداد مدرسه های مشخص شده از ۵ ناحیه ۱۰ مدرسه شد. سپس از این مدارس یک کلاس بطور تصادفی انتخاب و تست های لازم اجرا گردید.

حجم نمونه با در نظر گرفتن $P=0/5$ و دقت $0/95$ با استفاده از فرمول

$$n = \frac{(t^2 pq)}{d^2} = \frac{[1/96^2 (0/5 \times 0/5)]}{0/07^2} = 204$$

محاسبه شد. در بررسی نهایی پرسشنامه ها، با توجه به ناقص پرشدن برخی از آنها تعداد ۲۷ آزمودنی حذف شد که در نهایت نمونه مورد مطالعه به ۱۷۷ نفر تنزل یافت گفتنی است که پژوهشگران در بررسی های همبستگی حجم نمونه ای معادل ۱۰۰ نفر یا بیشتر را کافی می دانند (دلاور، ۱۳۷۷).

¹- Bastian

²- Bracket

³- Lopes

ابزار اندازه‌گیری

الف- پرسشنامه شخصیتی نفورم کوتاه (NEO-FFI)

پرسشنامه NEO-FFI است که در سال ۱۹۸۵ توسط پاول تی کوستا و مک کری تهیه شده است. NEO-FFI یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است و برای ارزیابی پنج عامل شخصیت (برونگرایی، روان رنجور خوبی، دلدپذیر بودن، باوجدان بودن، انعطاف پذیری) به کار می‌رود. پاسخنامه این تست از گزینه‌های کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق و کاملاً موافقم تشکیل شده است که در بعضی از سؤالات اگر آزمودنی، گزینه کاملاً مخالف را انتخاب کند نمره صفر و از گزینه‌های بعدی به ترتیب از راست به چپ نمرات ۱، ۲، ۳، ۴ را می‌گیرد و در برخی از سؤالات گزینه کاملاً مخالف نمره ۴ و گزینه‌های بعدی به ترتیب از راست به چپ نمرات ۳، ۲، ۱، ۰ را می‌گیرد. برای هر یک از این پنج عامل شخصیتی ۱۲ آیتم در این تست وجود دارد (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). شارون و دیگران، ضریب پایانی ۰/۸۶ برای روان رنجور خوبی، ۰/۷۷ برای برونگرایی، ۰/۷۳ برای انعطاف پذیری، ۰/۶۸ برای دلدپذیر بودن و برای با وجدان بودن یا وظیفه شناس ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ توسط واین و دیگران بدین ترتیب است $A=0/89$ ، $C=0/60$ ، $N=0/74$ ، $E=0/81$ ، $O=0/76$ در ایران نیز ضریب پایایی به دست آمده برای عوامل N.E.O.A.C به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ بوده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

ب- مقیاس هوش هیجانی سیبریاشرینگ:

این مقیاس یک آزمون ۳۳ سوالی است که به وسیله شانه و همکاران براساس مدل هوش هیجانی سالوی و مایر ساخته شده است. سوالهای آزمون در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از نمره یک (کاملاً مخالف) تا نمره پنج (کاملاً موافق) را می‌سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مؤلفه بیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می‌دهد که دامنه آن بین ۳۳ تا ۱۶۵ متغیر است. همسانی درونی سوالهای آزمون برحسب ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب پایایی بازآزمایی مقیاس در مورد یک نمونه ۲۸ نفری از دانشجویان به فاصله دو هفته ۰/۷۸ محاسبه شده اعتبار

مقیاس هوش هیجانی نیز از طریق سنجش همبستگی آن به سازه‌های مرتبط، کافی گزارش شده است. در فرم فارسی این مقیاس آلفای کرونباخ پرسشهای مقیاس در مورد یک نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ۰/۸۸ محاسبه شد که نشانه همسانی درون خوب آزمون است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از نمونه مذکور در دو نوبت با فاصله دو هفته ۰/۸۳ محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس می‌باشد (بشارت، ۱۳۸۶).

به منظور بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیت و هوش هیجانی دانش آموزان از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

نتایج

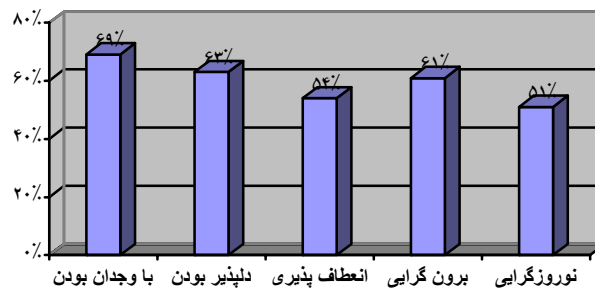
براساس اطلاعات مندرج در جدول شماره (۱) ملاحظه می‌گردد که میانگین هوش هیجانی دانش آموزان مورد مطالعه ۱۰۵/۲۹، با انحراف استاندارد ۱۰/۷ می‌باشد. به طوری که حداقل نمره هوش هیجانی ۷۶ و حداکثر ۱۳۲ می‌باشد. در واقع میزان هوش هیجانی دانش آموزان مورد مطالعه، کمی بیشتر از حد متوسط است.

براساس اطلاعات مندرج در جدول (۱) نمره میانگین نورو گرای ۲۴/۴۷ با انحراف استاندارد ۶/۸۶ می‌باشد. نمره میانگین برونگرایی ۲۹/۲۹، با انحراف استاندارد ۶/۰۲ است. نمره میانگین انعطاف پذیری ۲۶/۱۴ با انحراف استاندارد ۳/۷۱ است. نمره میانگین دلپذیر بودن ۳۰/۲۳ با انحراف استاندارد ۴/۸۶ می‌باشد نمره میانگین با وجدان بودن ۳۳/۱۵ با انحراف استاندارد ۵/۸۱ می‌باشد. طبق نمودار (۱) میزان نورو گرای ۵۱٪ و در حد متوسط می‌باشد. میزان برونگرایی ۶۱٪ و کمی بیش از حد متوسط می‌باشد. میزان انعطاف پذیری در حد ۵۴٪، میزان دلپذیر بودن در حد بالای متوسط و ۶۳٪ و میزان با وجدان بودن دانش آموزان در این پژوهش بالای متوسط و حدوداً ۶۹٪ می‌باشد.

آزمون اسمیرنوف کولموگروف جهت تشخیص نرمال بودن توزیع پراکندگی سازه‌های مورد مطالعه نشان داد که وجدان گرایی در سطح معنی داری ۰/۰۱ و سایر سازه‌ها در سطح ۰/۰۵ نرمال هستند.

جدول شماره (۱) توزیع پراکندگی ویژگی های شخصیتی و هوش هیجانی

تعداد	حداکثر نمره	حداقل نمره	کجی	انحراف استاندارد	میانگین	مؤلفه های ویژگی های شخصیتی
۱۷۷	۴۵	۱۰	۰/۴۷	۶/۸۶	۲۴/۴۷	نوروز گرایی
۱۷۷	۴۳	۸	-۰/۶۳	۶/۰۲	۲۹/۲۹	برونگرایی
۱۷۷	۳۷	۱۸	۰/۱۸	۳/۷۱	۲۶/۱۴	انعطاف پذیری
۱۷۷	۴۲	۱۷	-۰/۰۶	۴/۸۶	۳۰/۲۳	دلپذیر بودن
۱۷۷	۳۲	۱۶	-۰/۲۶	۵/۸۱	۳۳/۱۵	باوجدان بودن
۱۷۷	۱۳۲	۷۶	-۰/۰۶	۱۰/۷	۱۰۵/۲۹	هوش هیجانی



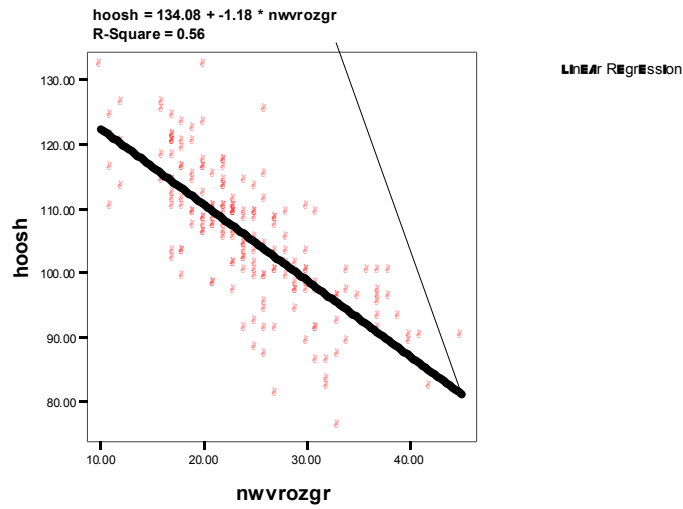
نمودار شماره (۱) توزیع پراکندگی ویژگی های شخصیتی دانش آموزان دختر شهر تبریز

همان طوری که در جدول (۲) ملاحظه می شود نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی (نوروز گرایی، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن) و هوش هیجانی نشان داد که رابطه منفی بین هوش هیجانی و نوروز گرایی ($P<0/001, r=-0/75$)، رابطه مثبت بین هوش هیجانی و برونگرایی ($P<0/001, r=0/38$) است. همچنین طبق جدول، همبستگی بین هوش هیجانی و دلپذیر بودن معنی دار نبود. همچنین رابطه بین هوش هیجانی و انعطاف پذیری نیز معنی دار نبود.

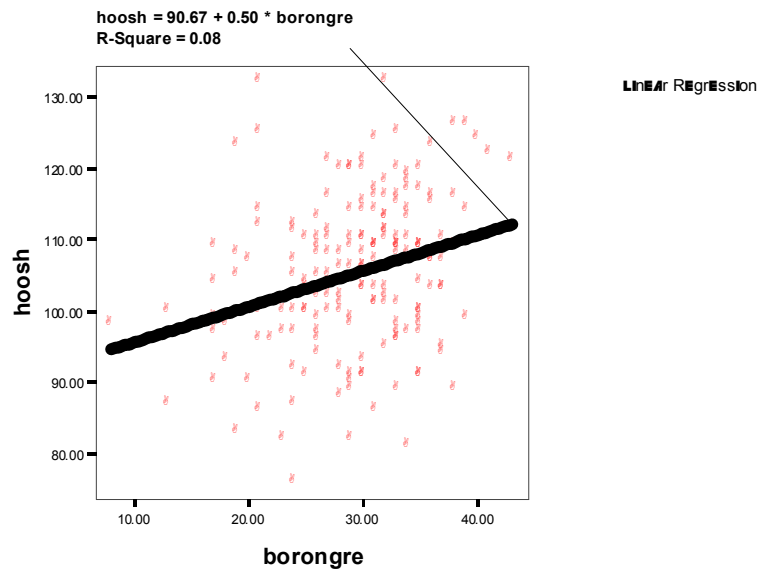
جدول شماره (۲) همبستگی رگرسیون خطی متغیرهای پنج گانه با هوش هیجانی

متغیرها	مقدار همبستگی r	ضریب تعیین R ²	سطح معنی داری آزمون P	مقدار α	مقدار β
۱- نوروگرایی	-۰/۷۵	۰/۵۶	۰/۰۰۰	۱۳۴/۰۸	-۱/۱۸
۲- برونگرایی	۰/۲۷	۰/۰۸	۰/۰۰۰	۹۰/۶۷	۰/۵
۳- انعطاف پذیری	-۰/۰۷	-	۰/۳۲	-	-
۴- با وجدان بودن	۰/۳۸	۰/۱۵	۰/۰۰۰	۸۱/۴۲	۰/۷۲
۵- دلپذیر بودن	-۰/۱۰۵	-	۰/۱۶	-	-

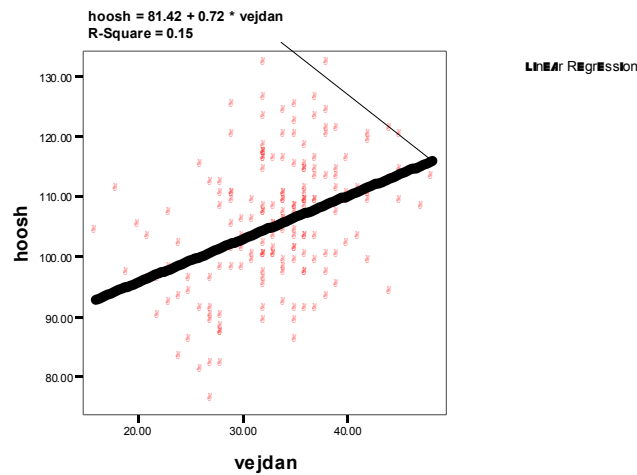
نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که طبق معادله رگرسیون خطی، نمودار (۲) مقدار ضریب تعیین $R^2 = 0/56$ است. یعنی نورو گرایی به میزان ۵۶ درصد می تواند هوش هیجانی دانش آموزان را پیش بینی کند. طبق معادله رگرسیون خطی، نمودار (۳) مقدار ضریب تعیین $R^2 = 0/08$ است یعنی برونگرایی به میزان ۸ درصد می تواند هوش هیجانی دانش آموزان را پیش بینی کند. طبق معادله رگرسیون خطی، نمودار (۴) مقدار ضریب تعیین $R^2 = 0/15$ است یعنی با وجدان بودن به میزان ۱۵ درصد می تواند هوش هیجانی دانش آموزان را پیش بینی کند.



نمودار شماره (۲) خط رگرسیون پیش بینی هوش هیجانی از روی نورو ز گرای



نمودار شماره (۳) خط رگرسیون پیش بینی هوش هیجانی از روی برونگرایی



نمودار شماره (۴) خط رگرسیون پیش بینی هوش هیجانی از روی با وجدان بودن

بحث

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌های جمع آوری شده از ۱۷۷ دانش آموز دختر، میانگین هوش هیجانی ۱۰۵/۲۹ با انحراف استاندارد ۱۰/۷ می باشد که در کل میزان هوش هیجانی آنها متوسط به بالا مشاهده شد. میزان نوروگرایی دانش آموزان در حد متوسط و ۵۱٪ می باشد. میزان برونگرایی دانش آموزان کمی بیش از حد متوسط و ۶۱٪ می باشد. میزان انعطاف پذیری دانش آموزان در حد ۵۴٪ می باشد. میزان دلپذیر بودن دانش آموزان در حد ۶۳٪ و بالای متوسط می باشد و میزان با وجدان بودن دانش آموزان در حد ۶۹٪ و بالای متوسط است.

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی (نوروگرایی، برونگرایی، انعطاف پذیری، دلپذیر بودن و با وجدان بودن) و هوش هیجانی نشان داد که بین هوش هیجانی و نوروگرایی رابطه منفی و با برونگرایی و با وجدان بودن رابطه مثبت وجود دارد که این یافته با

یافته های (پترایدز و فارنام، ۲۰۰۱، داداوهارت، ۲۰۰۰؛ ساکلوفسک و آستین، ۲۰۰۳؛ شاته و همکاران، ۱۹۹۹؛ بشارت ۱۳۸۶) از این نظر که بین هوش هیجانی و برونگرایی و روان رنجورخویی همبستگی معنی دار وجود دارد همسو می باشد ولی از نظر اینکه بین هوش هیجانی با انعطاف پذیری و دلپذیری همبستگی معنی دار وجود دارد غیر همسو می باشد. در تبیین این که چرا بین عوامل شخصیتی دلپذیر بودن و انعطاف پذیری با هوش هیجانی همبستگی معنادار وجود ندارد، احتمالاً چنین می توانیم استدلال کنیم که دلپذیری شامل مهربانی، تمایل به گذشت و فداکاری و انعطاف پذیری شامل کنجکاوی، خیال پردازی، نوآوری (جان، ۱۹۸۹) است که می تواند بستری مناسب برای تأثیرگذاری به سایر ابعاد شخصیت از جمله برونگرایی و با وجدان بودن فراهم سازد تا شخص از طریق آنها هوش هیجانی خود را تقویت کند و خود این ها بصورت مستقل مولفه های لازم برای تأثیرگذاری بر فرایندهای شناسایی و توصیف احساسات و تفکر را ندارند (بشارت ۸۶).

در تبیین یافته های فوق چنین می توان استدلال کرد که برون گرایی، آمادگی فرد را برای تجربه حوادث لذت بخش افزایش می دهد و این آمادگی می تواند به فرد کمک کند تا مخصوصاً در حوزه روابط بین شخصی و اجتماعی کارآمدتر ظاهر شود و از این طریق هوش هیجانی را تقویت کند (واتسون و کلارک، ۱۹۹۲). ویژگی دیگر برونگرایی شامل مثبت بودن، قاطعیت و اجتماعی بودن است که می توانند به سهم خود آمادگی فرد را در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تقویت کنند و از این طریق باعث تقویت هوش هیجانی شوند (جان، ۱۹۸۹). نوروزگرایی، آمادگی فرد را برای تجربه حوادث استرس زا افزایش می دهد (بولگر و شیلینگ، ۱۹۹۱). این ویژگی ها فرد را در حوزه روابط بین شخصی و اجتماعی، آسیب پذیر می سازند. بنابراین نوروزگرایی برحسب مکانیسم تضعیف هوش هیجانی امکانات فرد را برای گسترش روابط و عواطف اجتماعی محدود می سازد و تحلیل می برد. ویژگی های دیگر نوروزگرایی شامل تمایل فرد به تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت، تکانشوری، کمرویی، تفکر غیر منطقی، افسردگی و عزت نفس پایین (جان، ۱۹۸۹) نیز هر یک به

سهم خود می‌توانند بر توانمندی های فرد در زمینه روابط و عواطف اجتماعی تأثیر بگذارند و از این طریق باعث تضعیف هوش هیجانی شوند. با وجدان بودن نیز از طریق درک و مدیریت هیجانی می‌تواند بر هوش هیجانی تأثیر بگذارد که به احتمال زیاد با وجدان بودن، خود کنترلی را که یکی از مؤلفه های هوش هیجانی است منعکس می‌کند.

با در نظر گرفتن یافته های بدست آمده از این تحقیق به نظر می رسد که توجه به عوامل شخصیتی نوروزگرایی، برون گرایی و با وجدان بودن، رویکرد مفیدی برای مداخلات رفتاری و پیشبرد اهداف درمانی یا آموزشی برای دانش آموزان دختر مقطع متوسطه می باشد و می تواند در ارتقای هوش هیجانی آنها مؤثر باشد.

از محدودیت های این مطالعه می توان به گروه نمونه پژوهش حاضر اشاره کرد که شامل دانش آموزان دختر سوم مقطع متوسطه تبریز بود، لذا برای تعمیم نتایج به سایر افراد جامعه باید با احتیاط عمل شود. محدودیت دیگر استفاده از ابزار خود گزارش دهی در پژوهش حاضر است. با توجه به نتایج به دست آمده در این تحقیق پیشنهاد می شود در سایر جوامع نیز پژوهش انجام گیرد و در ضمن کارگاههای آموزشی در جهت افزایش مهارت های هوش هیجانی در مدارس تشکیل گردد و بهتر است این مهارتها در محتوی دروسی مانند علوم اجتماعی و پرورشی گنجانده شود.

منابع:

- آقاپارس، شریفی درآمدی، ب (۱۳۸۵)، هوش هیجانی. انتشارات سپاهان.
 - بشارت، م ع (۱۳۸۶)، بررسی رابطه ابعاد شخصیت و هوش هیجانی، مطالعات تربیتی و روانشناسی، دوره ۸، شماره ۲، ص ۹۳-۷۹.
 - بشارت، م.ع (۱۳۸۷)، بررسی رابطه ابعاد شخصیت و ناگویی خلقی. مجله روانشناسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲. ص ۳۷-۴۹.
 - حسن زاده، ر (۱۳۸۶)، انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات ارسبان.
 - دلاور، ع (۱۳۷۷)، روشهای تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی. نشر ویرایش.
 - راس، الف (۱۳۸۲)، روان شناسی شخصیت. ترجمه سیاوش جمالفر، ویرایش دوم. تهران: نشر روان.
 - رحیم زاده، چ (۱۳۸۷)، رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تبریز.
 - سانتراک، ج (۱۳۸۵)، زمینه روانشناسی سانتراک. ترجمه مهرداد فیروز بخت. تهران: انتشارات رسا.
 - شولتز، د (۱۳۸۱)، نظریه های شخصیت. ترجمه یوسف کریمی. تهران: انتشارات ارسباران.
 - کلینکه، ال (۱۳۸۶)، مهارتهای زندگی. ترجمه شهرام محمد خانی. تهران: انتشارات رسانه تخصصی.
 - گروسی فرشی، م ت (۱۳۸۰)، رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز: انتشارات جامعه پژوه، نشر دانیال.
 - گلמן، د (۱۳۸۰)، هوش هیجانی. ترجمه نسرين پارسا. تهران: انتشارات رشد، ص ۶۳-۳۵۶.
 - گیتونی، م (۱۳۸۵). هویت و هوش هیجانی. ترجمه پریچهر به کیش. انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- Bastian VA., (2005), Emotional intelligence, predict life skills, but not us well as personality and cognitive abilities. *Personality and Individual Differences*. 39(6): 1135-1145.
 - Bolger, N., & schilliny, E. A. (1991), Personality and the problems of everybay Life: the role of neuroticism in exposure and reactivity to daily stressors. *Journal of personality*, 59. 355-380.

-
- Brackett MA.,(2004), Emotional intelligence and its relation to everyday behavior. *Personality and Individual Differences*. 36(6): 1387-1402
 - Chamorro-permuzic T., Ben ett E., Forham A., (2007), The Happy personality: Mediational Role of Trait Emotional In telligence. *Personality and Individual differences*.
 - Dawda D., Hart SD., (2002), Assessing emotional in telligence: reliability and validity of the Bar-on Emotional Quotient-InVENTORY in university. *Personality and Individual Differences*.
 - John, O.P. (1989), Towards a taxonomy of personality descriptors. In D.M. Buss, & N. Cantor (Eds.), *personality psychology: recent trends and emerging directions* (pp.201- 271). Newyork: springer.
 - Lopes PN., (2003), Emotional intelligence, personality, and the perceived quality of social relationship. *Personality and Individual Differenct*. 35(3): 641-658.
 - Petrides V., furnham A., (2002), Trait emotional intelligence: Behavioral validation in two studies of emotion recognition and reactivity to mood induction. *European journal of personality*; 17(1): 39 – 57.
 - Saklofske DH., Austin EJ.,(2003), Factopr struvture and validity of a trait emotional intelligence measure. *Personality and individual Differences*. 34(4): 707-721
 - - Schutte NS., malouff j., Hall LE., Haggerty DJ., Cooper JT., Golden CJ., (1998), Development and validation of a measure of emotional intelligence. *Personality and Individual Differences* 25 (2): 167-177.
 - Shafer AB., (1999), Relation of the big fire and factor V subcom ponents to social in telligence. *European. Journal of personality*.
 - Watson,D., & clark, A. (1992), On traits and temperament general and specific factors of emotional experience and their relation to the five factor-model *journal of personality*, 60(2): 44,476.

